

یادداشت

خطر دریافت وثیقه‌های سنگین از خلبانان

مهدی علیزاده - کارشناس هوانوردی

رؤیای پرواز از دیرباز یکی از دغدغه‌های ذهن بشر بوده است. یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ، اختراع هواپیما و به طبع آن تولدی صنعتی نوظهور به نام صنعت هوانوردی بود؛ صنعتی با سطح فناوری بسیار بالا و استانداردهای سخت‌گیرانه که به جرئت می‌توان بحث ایمنی یا Safety را از مهم‌ترین ارکان آن دانست. خلبانی را می‌توان یکی از جذاب‌ترین مشاغل جهان دانست. فعالیت در دفتر کاری که در ارتفاع ۳۵هزارپایی واقع شده است، مسافرت‌های بی‌پایان، حقوق و مزایای عالی وو... شاخص‌های جذابی هستند که به‌ظاهر از فضای کاری این شغل برداشت می‌شوند. جذابیت‌هایی که جوانان را برای ورود به این حوزه تخصصی ترغیب و وسوسه می‌کند. ولی آیا همه چیز در رابطه با خلبانی در همین موارد به‌ظاهر جذاب خلاصه می‌شود؟ به‌تازگی نشریه فلیت با همکاری شرکت گوس تحقیقی دربارهٔ اولویت‌های خلبانان در محیط کار انجام داده است؛ داده‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که انگیزه خلبانان برای رضایت از شغل و شرکت هواپیمایی متبوعشان به‌ترتیب درگیرنده مواردی چون تعادل ساعات کار و زندگی، فرهنگ سازمانی، فرصت‌های آموزشی، پیشرفت شغلی و دستمزد پرداختی است. دو سال پیش بود که هم‌زمان با سانحه سقوط هواپیمای پرواز تهران- یاسوج، اخبار جسته‌وگریخته‌ای مبنی بر پدیده‌ای نوین در صنعت هوایی ایران به گوش می‌رسید؛ اینکه شرکت هواپیمایی که هواپیمای توربوپراش رسیده به فرودگاه یاسوج و در محدوده کوه دنا دچار سانحه شده بود، اقدام به دریافت وثیقه‌های سنگین از خلبانان کرده بود. طرح این موضوع و رسانه‌ای شدن آن واکنش متخصصان صنعت هوایی کشور را در پی داشت، باین‌حال خبری خلی زود به فراموشی سپرده شد. باین‌حال، امروزه کار به جایی رسیده که اغلب شرکت‌های مختلف هواپیمایی کشور وثیقه‌های سنگینی در رده‌های مختلف از پرسنل پروازی خود طلب می‌کنند. اقدامی که هرچند در هیچ‌کجای جهان باب نیست و مغایر اصول ایمنی پرواز است، ولی بجد در دستور کار ایرانی‌های داخلی قرار گرفته است. وثیقه‌هایی که چه به‌صورت وثایق ملکی و چه به‌صورت سفته و چک، در مبالغی از ۳۰۰ میلیون تا حتی سه، چهار میلیارد تومان! (بسته به شرکت و جایگاه و تاپ پروازی خلبان) از خلبانان گرفته می‌شوند. شرکت‌های هواپیمایی تازه‌کار در این امر نیز قدم‌های اول خود را در اخذ وثیقه از خلبانان تازه‌وارد یا خلبانانی که قصد ارتقای جایگاه یا تغییر تاپ دارند، برداشته‌اند. امروزه در ایران چیزی حدود هزارو ۷۰۰ تا دوهزار نفر کمک خلبان و کاپیتان(خلبان) در خطوط هواپیمایی داخلی مشغول فعالیت و پرواز هستند. با این حال، چیزی حدود هزار نفر نیز باوجود گذراندن دوره‌های آموزش خلبانی و دریافت گواهینامه‌های مربوطه، همچنان جویای کار بوده و از یافتن شغل مناسب در خطوط هواپیمایی عاجزند؛ هم‌اکنون حدود هزار نفر دانشجوی خلبانی نیز در کشور مشغول تحصیل هستند که ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر آنها به‌طور مستقیم درگیر فرایند آموزش‌های تئوری و عملی بوده و برخی نیز در سایر مراحل امتحانات و دریافت گواهینامه‌ها قرار دارند. بدون شک تمامی این نیروها (ازجمله شاغلان در هنگام ارتقا یا تغییر تاپ هواپیما و دانش‌آموختگان و دانشجویان حین طی فرایند استخدام) با این پدیده مخرب جدید دست‌به‌گریبان خواهند بود. مشخص نیست که انگیزه ایرانی‌ها از قدم‌نهادن در این وادی بسیار خطرناک چیست؛ شرکت هواپیمایی حق دارد که نگران از دست‌دادن نیروی انسانی متخصص خود باشد اما بدون شک توسل به زور راه‌حل صحیحی برای رفع این مشکل احتمالی نخواهد بود. متأسفانه موضوع وثیقه به حربه‌ای در دست شرکت‌های هواپیمایی مبدل شده که منجر به سلب اختیار و آزادی از خدمه پروازی و انزای برای اعمال فشار شده است. موضوعی که با بهره‌کشی از نیروهای متخصص کشور و جلوگیری از انفصال ایشان از شرکت هواپیمایی متبوع، آنان را مجبور می‌کند تا تحت هر شرایطی (تاکیید می‌شود که تحت هر شرایطی!) مطابق میل شرکت عمل کنند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، این اقدام به‌شدت در مغایرت کامل با بحث Safety است و در صورت ادامه این روند و این رفتار نادرست، بدون شک شاهد حوادث ناخوشایندی در صنعت هوایی ایران خواهیم بود.

شرق: سال ۹۷ دولت تصمیم گرفت در راستای سیاست تک‌نرخ‌ی شدن ارز، بهای چهارهزارو ۲۰۰ تومانی را برای هر دلار تعیین کند و ارز ارزان را به تمام کالاها اختصاص دهد، اما به‌دلیل کمبود منابع ارزی، ارز نیمایی متولد شد تا در آن صادرکنندگان ارزهای خود را با قیمت‌های منطقی‌تر و نزدیک به بهای عرضه و تقاضا به واردکنندگان کالاها اختصاص دهند. در آن روزها نرخ ارز نیمایی حدود هشت هزار تومان بود، ولی این نرخ هم نسبت به بازار آزاد منصفانه‌تر بود و نوعی ارز ارزان حساب می‌شد. اکنون اگرچه فاصله بین ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و نیمایی به‌شدت افزایش یافته و نرخ ارز نیمایی به حدود ۱۷ هزار تومان رسیده است؛ اما بانک مرکزی توان ارائه ارز نیمایی به فعالان بخش صنعت را ندارد. مهدی قاضی‌پور، فعال بخش صنعت می‌گوید چندی پیش جلوی بانک مرکزی تجمع شده است، زیرا افرادی که پول برای ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی پرداخت کرده بودند، نتوانسته‌اند از خود را دریافت کنند و سیاست‌های ارزی دولت منجر به ایجاد رکود در بخش صنعت شده است. او می‌گوید: آنچه امروز درباره نرخ ارز اتفاق می‌افتد، مالیات پنهانی است که دولت از مردم می‌گیرد. ابوالفضل روغنی، رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران نیز سیاست‌های ارزی دولت را عاملی برای هدررفت منابع اعلام کرده و تنها راه نجات را تعیین نرخ از براساس مکانیسم بازار معرفی می‌کند.

سال ۹۷ دولت در راستای اجرای سیاست تک‌نرخ‌ی کردن ارز بهای چهارهزارو ۲۰۰ تومانی را برای هر دلار آمریکا اعلام می‌کند. در ابتدا بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد به تمام ردیف‌های کالایی ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تخصیص بدهد؛ اما چند ماه بعد با ایجاد کمبود در منابع ارزی، به‌تدریج ردیف‌های کالایی که به آنها ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تعلق می‌گرفت، کاهش یافت و در مقابل ارزهای سنا، نیمایی و ارز بازار آزاد هم به ادبیات تجاری کشور اضافه شد. حالا با گذشت تقریباً سه سال از تصمیم دولت برای تک‌نرخ‌ی کردن ارز، دست‌کم چهار نرخ ارز در کشور داریم که هرکدام آنها تفاوت قیمت فاحشی با هم دارند. درحالی‌که هر دلار نیمایی به قیمت حدود ۱۷ هزار تومان معامله می‌شود، نرخ ارز در بازار آزاد به ۱۹ هزار تومان رسیده است و بخش صنعت که قسمتی از قطعات خود را از خارج وارد می‌کند، باید در صف طولانی خرید ارز نیمایی قرار بگیرد. اگرچه دولت در روزهای نخست تولد ارز نیمایی به‌تولیدکنندگان قول داده بود این ارز را (که آن روزها ارزان تلقی می‌شد) با نوسانات اندک در نرخ و به‌طور مستمر در اختیار بخش صنعت قرار دهد، اما گویا در این روند هم اختلال ایجاد شده است.

اعتراض به اخلا در تحویل ارز نیمایی

مهدی پورقاضی، فعال بخش صنعت، در گفت‌وگو

با «شرق» می‌گوید: ادعا می‌کنند ارز نیمایی ارزان به واحد تولیدی می‌دهند، ولی بیچاره می‌کنند تا این ارز را بدهند. چه در وزارت صنعت که ارز تخصصی می‌دهد و چه در بانک مرکزی که ارز را ارائه می‌دهد و چه صرافی که پول واردکننده را می‌گیرد و ارز را پرداخت می‌کند، صنعتگران با مشکل مواجه هستند. او ادامه می‌دهد: چندی پیش مقابل بانک مرکزی تجمع شد، زیرا یک عده پول دادند و ارز را به آنها تحویل نداده‌اند. دولت سعی می‌کند مثل همه کارهای دیگری با بخش یارانه مشکلات را حل کند، ولی موفق نشده است. بانک مرکزی و دولت باید میزان نقدینگی در کشور را ثابت کنند و رشد نقدینگی باید کنترل شود.

به گفته قاضی‌پور رشد نقدینگی عامل بروز تورم است و باید از در کشور تک‌نرخ شود. ارز نیمایی، سنا و ارز آزاد باید یکی شود تا صادرکنندگان انگیزه بالاتری برای آوردن ارز به داخل کشور داشته باشند. او اضافه می‌کند: همه باید ببینیم که با نرخ متغیر و به‌روز کار کنیم. اینکه کسی انتظار داشته باشد با ارز نرخ ثابت کار کند، انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست. سیاست کنترل قیمت‌ها هم اشتباه است؛ دولت به‌راحتی نقدینگی و پایه پولی را افزایش می‌دهد؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که قیمت‌ها چه برای واحد صنعتی و چه مصرف‌کننده ثابت باشند.

او تأکید می‌کند: آنچه امروز درباره نرخ ارز اتفاق می‌افتد، مالیات پنهانی است که دولت از مردم می‌گیرد.

راه برون‌رفت از این مشکلات این است که به سمت آزادسازی اقتصادی برویم و اجازه دهیم واحدها به‌طور راحت و آسان بتوانند نیازهای ارزی خود را در صادرات و واردات عملی کنند.

رکود بخش صنعت به‌دلیل سیاست‌های ارزی

قاضی‌زاده می‌گوید: سیاست ارزی دولت باعث شده

اقتصاد

فعالان بخش صنعت، سیاست ارزی دولت را نادرست توصیف می‌کنند

ارز کمیاب نیمایی



عکس: محمد حسینی‌افر مهر

بازار به رکود کشیده شود و هر روز که به بازار مراجعه می‌کنیم، باید شاهد یک نرخ جدید باشیم. قیمت‌ها متغیر است و کسی نمی‌تواند قرارداد بلندمدت ببندد. در نتیجه امکان فروش و قراردادبستن دچار مشکل شده است. او تأکید می‌کند: چندنرخ‌ی کردن ارز این گرفتاری‌ها را ایجاد کرده است. اگر ارز را آزاد بگذارند، هرکسی می‌تواند ارز را به نرخ واقعی در بازار عرضه کند. دولت و بانک مرکزی باید نقدینگی و پایه پولی کشور را کنترل کنند. متأسفانه این مسائل کنترل نمی‌شود و به‌صورت افسارگسیخته با تورم مواجهیم.

سیاست‌های ناکارآمد ارزی
ابوالفضل روغنی، رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران نیز در گفت‌وگو با «شرق» به این پرسش که فاصله بین نرخ ارز نیمایی با ارز بازار آزاد و چهارهزارو ۲۰۰ تومانی چه تأثیری در بخش صنعت داشته، این‌گونه پاسخ می‌دهد: سیاست ارزی دولت در چند سال گذشته ناکارآمد بوده است. این سیاست منجر به از دست‌رفتن ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی و انحراف ارز نیمایی از مسیر خود شده است. این سیاست‌ها به‌هدررفتن منابع و سرمایه کشور با تدابیر نادرست و غیرمؤثرانه منجر شده است

به گفته او سیاست درستی برای تخصیص منابع ارزی نداشتیم؛ اول به هر کالایی ارز چهارهزارو ۲۰۰ دادیم، بعد دائماً این تخصیص را محدود کردیم. روغنی تأکید می‌کند: من از اول مخالف تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی بوده‌ام. همیشه هم اعلام کرده‌ام که ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی برای برخی از کسانی که می‌خواهند سواستفاده کنند، رانت و فرصت ایجاد می‌کند. او می‌گوید: به‌عنوان فعالان اقتصادی جامعه انتظار داشتیم بی‌ثباتی ارزی کنار برود. ارز قیمت خود را در بازار پیدا کند و یک ثبات ارزی به وجود بیاید. بی‌ثباتی

افت عرضه ارز در نیما در ۳ماهه اول امسال

جاری در مجموع سه میلیارد و ۱۸۶ میلیون یورو از حاصل از صادرات غیرنفتی عرضه شده که ۵۳۱ میلیون یورو در فروردین، یک میلیارد و ۲۳۰ میلیون یورو در اردیبهشت‌ماه، یک میلیارد و ۸۹ میلیون یورو در خرداد و ۳۳۵ میلیون یورو در پنج روز اول تیرماه به فروش رسیده است. میزان خرید تخصیص از برای واردات هم در سه ماه پنج روز اول سال جاری معادل دو میلیارد و ۱۴ میلیون یورو بوده است. بنابراین فروش ارز حاصل از صادرات در سه ماه و پنج روز اول سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل ۳۶.۳ درصد و میزان تخصیص از برای واردات ۵۵ درصد کاهش یافته است. میزان صادرات در سه‌ماهه اول امسال ۴۳.۹ درصد و میزان واردات

با اجرای طرح فروش متری در بورس کالا

قیمت‌گذاری مسکن قاعده‌مند می‌شود

آن مردم بتوانند با سرمایه‌گذاری اندک مسکن را به‌صورت متری خریداری کنند. اجرائی‌شدن این طرح را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به صورت کلی باید بگویم اگر هر نوع معامله‌ای که در بازار کالا یا بازار سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، به بورس منتقل و در آن متمرکز شود، امر بسیار پسندیده‌ای است. نمونه آن سهام عدالت است که فروش آن با تأکید مقام معظم رهبری آزاد شد و اکنون حدود ۴۹ میلیون نفر از منافع عمومی آن سود می‌برند. وقتی چنین مانیفستی در کشور در حال اجرائی‌شدن است، خوب است که کالاهای دیگر به‌ویژه مسکن که متأسفانه در کشور ما به‌عنوان کالایی سرمایه‌ای محسوب می‌شود، به این بازار وارد شود. به عقیده بنده درست است که شاید

در بازار ارز حتما و قطعاً یک چندگانگی ایجاد کرده و تأثیر نامطلوبی روی قیمت تمام‌شده گذاشته است.

رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران در تشریح این بی‌ثباتی‌ها عنوان می‌کند: امروز فرض بگیریم با ارز نیمایی ۱۵ تا ۱۶ هزار تومان قطعه یا کالایی را وارد می‌کنید، به‌محض اینکه محموله به خط تولید می‌رسد، یک هفته بعد از افزایش می‌یابد. در نتیجه قطعات و مواد اولیه را نمی‌توانید جایگزین کنید. نمی‌توانید حساب داشته باشید که در چند وقت آینده از یک نرخ ارز تبعیت و پیروی کنید. این بی‌ثباتی به بخش صنعت آسیب می‌زند.

نرخ ارز دستوری تعیین‌نشود

روغنی تأکید می‌کند: همه صنعتگران کشور می‌گویند نرخ ارز باید مشخص باشد ولی دستوری نباشد، زیرا نرخ ارز قابل دست‌ورزدی نیست. باید براساس عرضه و تقاضا تعیین شود و حداقل تا پنج یا شش ماه همین نرخ ثابت باقی بماند که کشور به ثبات برسد. او ادامه می‌دهد: این روزها شب می‌خوابیم و صبح می‌بینیم که نرخ ارز تغییر کرده است. معامله‌ای با خارجی می‌کنیم، دو ساعت بعد که می‌خواهیم ارز بفرستیم نرخ تغییر کرده است. این مسائل است که بخش تولید را اذیت می‌کند. رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی درباره وعده‌های قبلی دولت مبنی بر نوسانات اندک نرخ ارز نیمایی می‌گوید: دولت نتوانست به این وعده عمل کند. فاصله‌ای که بین نرخ‌های ارز هست، سردرگمی، شدیدی ایجاد کرده است. تأکید می‌کنم بازار انتظارش این است که از چندگانه وجود نداشته باشد. ارز منبعی ملی است که باید حفظ شود و در نرخ آن ثبات ایجاد شود. همان‌گونه که نرخ ارز تغییر می‌کند، باید قیمت محصولات وارد نمی‌شود. روغنی ادامه می‌دهد: حذف اواضافه می‌کنند: تغییرات نرخ ارز روی قیمت تمام‌شده و فروش اثر می‌گذارد. دولت باید براساس یک مکانیسم درست نرخ ارز را تعیین کند. البته اگر ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی از نظام درمان حذف شود، بدون شک هزینه درمان بالا می‌رود. اما اگر مکانیسم تأمین اجتماعی درستی برای همه داشته باشیم، به مردم فشار وارد نمی‌شود. روغنی ادامه می‌دهد: حذف ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی روی هزینه حمل‌ونقل اثر می‌گذارد اما دولت می‌تواند روی زیرساخت‌های حمل‌ونقلی سوسپد بدهد. اجرای این سیاست‌ها به یک برنامه درآمدزات ۱۰ تا ۲۰ ساله نیاز دارد. درحال‌حاضر سیاست‌های دولت عده‌معدودی را منتفع می‌کند. به گفته او در دولت‌های نهم و دهم درآمد ارزی زیادی داشتیم اما معلوم نشد کجا رفت و چه کار کردیم. همه کشورهای دارای نفت و گاز صاحب ذخایر ارزی زیادی هستند، اما ما مکانیسم درستی برای سرمایه‌گذاری و مصرف این منابع نداریم و درست به آن فکر نکرده‌ایم.

روغنی تأکید می‌کند: من از اول مخالف تخصیص ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی بوده‌ام. همیشه هم اعلام کرده‌ام که ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی برای برخی از کسانی که می‌خواهند سواستفاده کنند، رانت و فرصت ایجاد می‌کند. او می‌گوید: به‌عنوان فعالان اقتصادی جامعه انتظار داشتیم بی‌ثباتی ارزی کنار برود. ارز قیمت خود را در بازار پیدا کند و یک ثبات ارزی به وجود بیاید. بی‌ثباتی

۲۶.۷ درصد کاهش یافته است. در واقع میزان تأمین ارز حاصل برای واردات افت بسیار بیشتری نسبت به افت میزان واردات بوده است. البته نحوه تأمین و تخصیص ارز یک فرایند زمان‌بر است و نمی‌توان میزان تأمین ارز در یک ماه را معادل با میزان صادرات و واردات در همان ماه مقایسه کرد. ارقام جدول زیر که از سامانه نیما به‌دست‌آمده نشان می‌دهد روند فروش ارز حاصل از صادرات که در فروردین با افت شدیدی مواجه شده در اردیبهشت و خرداد بهبود پیدا کرده و در پنج روز اول تیرماه هم به حجم قابل‌توجهی رسیده است. به نظر می‌رسد در صورت ادامه روند افزایشی عرضه ارز در سامانه نیما قیمت ارز در روزها و هفته‌های آینده کاهش یابد.

و قیمت‌گذاری بر روی آن کالا نیز به‌درستی انجام شده است و حضور مسکن در بورس دست‌کم باعث خواهد شد کلاهبرداری در خرید و فروش آن از بین برود.

آ این طرح چه سودی برای مردم دارد؟

متأسفانه بازار مسکن هیچ سازوکاری ندارد و به دست چند دلال و کنه‌گدار افتاده که با قیمت‌های بی‌مبنا بازار مسکن را ملتهب می‌کنند که هر منطقه از شهر هم داستان خودش را دارد. با پیش‌فروش متری مسکن پای سرمایه‌گذاری خرد و افرادی که پول کمی دارند، به بورس باز می‌شود؛ درحالی‌که هم‌اکنون حتی با صد میلیون تومان نمی‌توان خانه خرید. اتفاق مثبت دیگری که طرح پیش‌فروش متری مسکن دارد، این است که تقاضای کاذب سرمایه‌گذاری در بازار مسکن کنترل می‌شود و تقاضای مصرفی شکل واقعی خود را پیدا می‌کند. خیلی از افراد بودند که برای خرید مسکن مجبور بودند وام مسکن را از دلالان بخرند که آنها با کلاهبردار بودند یا یک وام را به چند نفر می‌فروختند که با ورود مسکن به بورس کالا، ریسک این بازار کاهش خواهد یافت. سال‌هاست می‌گوییم راه نجات مملکت تولید است؛ اما تولید نیاز به پول دارد. پیشنهاد ما کارشناسان همیشه این بوده است که این پول باید از بازار سرمایه تأمین شود. با تحریم‌هایی که برای کشور به وجود آمده، انکار عدو سبب خیر شده تا بالاخره روی خوشی به بورس نشان داده شود، البته هرچند دیر شده، اما قطعاً خوب و مفید خواهد بود. باید به این نکته توجه داشت که با وجود همه مقاومت‌ها و کارشکنی‌هایی که انجام شده، باز هم بورس کالا جزء موفق‌ترین بورس‌های کشور است و توانسته بخشی از تنظیم بازار را به دست بگیرد و در دسترس‌ترین ابزار برای شفاف‌سازی قیمت‌هاست. امیدواری زیادی وجود دارد که طرح پیش‌فروش متری مسکن به کمک درآمدها بیاید.

ادامه از صفحه اول

کرونا برهم‌زننده بازی ترامپ

... درحالی‌که عقاید و افکار عمومی مردم آمریکا که در یک نظام جمهوری زندگی می‌کنند، از چپ‌ترین نقطه که برنی سندرز به آن مباحثات می‌کند تا راست‌ترین نقطه که ترامپ نماینده آن است، توزیع شده است. فرض نظام جمهوری بر این است که رئیس‌جمهور منتخب، به تنوع آرا و افکار مردم احترام می‌گذارد و خود را نماینده همه مردم و مسئول در برابر آنها می‌داند؛ اما ترامپ راهی را می‌رود که اصلاً در قانون اساسی آمریکا پیش‌بینی نشده است. ترامپ نه‌تنها رقیب کمونی خود از حزب رقیب را قبول ندارد، بلکه با اوایما که پیش از او رئیس‌جمهور آمریکا بود، اصلاً حرف نمی‌زند و او را داخل آدم نمی‌داند.

به عبارت دیگر، ترامپ مسئولیت خود را محدود به رای‌دهندگان خود کرده است. بیماری کرونا تنها یک بهانه است؛ اما همین بهانه به بهترین وجه شخصیت دو نامزد بعدی را - که ترامپ یکی از آنهاست- شناسانده است. تا دو، سه ماه پیش، شمار رأی‌دهندگان بالقوه دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه تقریباً یکسان بود؛ به‌طوری‌که برای دوستان کنجاکو که سری در سیاست دارند، غالباً در گفت‌وگوهای مربوط به انتخابات آینده مشخص نبود کدام نامزد برنده انتخابات ریاست‌جمهوری خواهد شد. پیش از همه‌گیری کرونا، به نظر می‌آمد اقتصاد در حال گردش و آمار پایین بی‌کاری در آمریکا، به صورت بزرگ‌ترین برگ برنده در کارزار انتخاباتی ترامپ عمل کند؛ اما ویروس کرونا با خود مرگ ده‌ها هزار شهروند و بی‌کاری میلیون‌ها نفر دیگر را به همراه آورد و مهم‌ترین برگ برنده ترامپ را از او گرفت. به همین علت، امروز با وجود همه مانورهای سیاسی ترامپ -که به لحاظ توان مالی دست بالا را نسبت به دموکرات‌ها دارد- شمار آرای پیش‌بینی‌شده او تا حدود ۲۰ درصد پایین‌تر از آرای بالقوه جو بایدن است. در هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه، شمار نسبتاً ثابتی رأی‌دهنده وجود دارند که صرف‌نظر از تلامط‌های تبلیغاتی، به نامزد حزب خود پایبند هستند. به گفته آمارگیران حرفه‌ای که کارشان پیش‌بینی نتیجه انتخابات است، میزان آرای نسبتاً ثابت و یابرجا برای هریک از دو حزب، حدوداً ۳۰ تا ۳۵ درصد از کل آرا را تشکیل می‌دهد. ویرش و افزایش آرا در هر سه، مابین‌تفاوت این رقم تا ۵۰ درصد است؛ شامل آرای مستقیم و غیرمستقیم از سوی حوزه‌های رای که از امتیاز ویژه‌ای برخوردارند. شاید بروز رویدادهای پیش‌بینی‌نشده -این برآورد را به سود ترامپ اصلاح کند؛ اما پیش‌بینی آن درحال‌حاضر نامکن است. آنچه مسلم است، این است که رفتار ترامپ در زمینه مبارزه با کرونا، مردم و رأی‌دهندگان را قانع نکرده است. مردم انتظار دارند دولت آمریکا به رهبری ترامپ، اقدامات لازم را برای یافتن راه‌حل مبارزه و کنترل واگیری کرونا پیدا کند و به‌سرعت به مقابله با آن بپردازد؛ اما ترامپ با سخنرانی و تشکیل گروه‌های خودنمایی، عملاً تنش‌ها را تشدید می‌کند. آرائی‌گونه که متخصصان بارها گوشزد می‌کنند، ارائه نمی‌دهد، بلکه مردم را به معاشرت با الگوی زندگی متداول پیش از کرونا، بدون فاصله‌گذاری اجتماعی، تشویق کرده و برای بازگردن بازارها، مؤسسات، شرکت‌ها وو... تلاش می‌کند. امید ترامپ به این است که بازگشتی شرکت‌ها و کسب‌وکارها بتواند تا پیش از انتخابات، عملکرد اقتصادی کشور را بهبود بخشیده و آمار بی‌کاری را کاهش دهد تا احتمال انتخاب مجدد وی افزایش یابد؛ اما نتیجه این سیاست تاکنون افزایش شمار مبتلایان به ویروس بوده است. رسانه‌های رقیب ترامپ نیز تبعات ناسالم بی‌تفاوتی در قبال گسترش بیماری را برای مردم شرح می‌دهند. ایالات متحده آمریکا برخلاف تصور مردم جهان، با وجود همه توانایی‌های فنی، اقتصادی و نفوذ بین‌المللی‌ای که داراست، در این دوره انتخاباتی به‌شدت تحت تأثیر بحران گسترش ویروس کرونا قرار گرفته است. اشاره شد که آمریکا هم مانند دیگر کشورهای جهان، به دلیل نداشتن دانش و پیشینه نسبت به ویروس کرونا، در مبارزه با آن دچار سرگردانی و نادانی است. به همین دلیل، ساده‌ترین کار در برابر فشار افکار عمومی، متهم‌کردن رقبای سیاسی و اقتصادی آمریکا در جهان است. دونالد ترامپ بارها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های مطبوعاتی کاخ سفید، چنین را عامل ایجاد و گسترش ویروس کرونا خوانده است. ترامپ همچنین به دلیل فشار افکار عمومی، به‌ویژه فروخفنگی اقتصاد و بی‌کارشدن میلیون‌ها نفر که به مفهوم گسترش فقر در آمریکاست، استفاده از ماسک در برخلاف نظر پزشکان متخصص در بیماری‌های واگیردار، ضروری نمی‌داند و خود در گروه‌های‌های انتخاباتی از زدن ماسک خودداری می‌کند. از دید پزشکی، این بی‌احتیاطی منجر به گسترش بیماری شده است؛ اما مبارزات رقیبای ترامپ موجب شده که مردم به دانه‌گذاری‌های رئیس‌جمهور خود بی‌برند و به تدریج از او فاصله بگیرند. اگرچه جزئیات انتخابات هنوز روشن نشده، ولی ادامه بلاکنلیفی و سردرگمی ایجادشده از سوی ترامپ و نزدیکان او، موجب فاصله‌گرفتن و ناامیدی بخشی از رای‌دهندگان از ترامپ شده است. اگر ترامپ انتخابات را ببازد، تردیدی نیست که عمدتاً به دلیل برخورد نامناسب با کرونا خواهد بود.